

آثار فردی و اجتماعی ایمان

آیت الله مجتبی تهرانى

ایمان آثار فردی و درونی، و اجتماعی و برونی بسیاری دارد که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم :

آثار فردی ایمان

1. لذت معنوی و انبساط روحی: ایمان در وجود انسان، لذتی وصف ناپذیر ایجاد می‌کند البته هر مرتبه از ایمان با چنین لذتی همراه نیست. لذات انسان در عالم دنیا دو دسته است :

الف: لذاتی که اعضا و جوارح ظاهری از ارتباط با عالم ماده کسب می‌کنند. چشم از دیدن زیباییها، گوش از شنیدن صدای خوش و شامه از رایحه دل انگیز لذت می‌برد .

ب: لذاتی که مادی نیستند و ابزار و آلاتشان نیز اعضای محسوس نیست. مانند لذت شهرت و مقام، احساس موفقیت و در بعد انسانی خدمت به هم‌نوع. گاه دل‌بستگی به خدا و رسول (ص) و اولیای الهی به مرتبه‌ای می‌رسد که در انسان لذت شعف انگیز و ویژه‌ای پدید می‌آورد. این لذت با لذت‌های بالا متفاوت است. میان لذت‌های مادی و معنوی از دو جهت اختلاف است :

1. لذات معنوی قوی‌تر و ژرف‌تر از لذایذ مادی هستند .

2. لذت‌های معنوی پایدارترند .

در روایات از این لذات گاهی به «طعم ایمان یا حلاوت ایمان» تعبیر کرده‌اند و این البته از باب تشبیه معقول به محسوس است و الا حقیقت آن، فوق این معانی است .

طعم و شیرینی ناشی از ایمان برای هر کسی قابل ادراک نیست. این لذت از آن کسانی است که هم به لحاظ درونی و نفسانی و هم به لحاظ اعمال بیرونی شرایط خاصی دارند .

امام صادق (ع) فرموده‌اند :

حرام علی قلوبکم ان تعرف حلاوة الایمان حتی تزهد فی الدنيا [1]

بر دل‌های شما درک حلاوت ایمان حرام شده است مگر آنکه نسبت به دنیا زهد بورزید .

زهد امری درونی است. در روایتی دیگر، نمونه‌ای از اعمال بیرونی ذکر شده است :

قال علی علیه السلام: لا یجد عبد طعم الایمان حتی یترك الكذب، هزله و جده [2]. بنده طعم ایمان را نمی‌چشد مگر آنکه از دروغ، به صورت شوخی و جدیش احتراز کند .

اما ما چرا طعم ایمان را نمی‌چشیم؟ پاسخ، يك کلمه است: «دل‌بستگی به دنیا!» و کسی که حلاوت ایمان را درک کرد، با گرایش به دنیا به تدریج طعم ایمان در ذائقه‌اش محو می‌شود . نمونه این افراد مؤمنانی هستند که با پوشش شرعی، به نحو گسترده‌ای به خواسته‌های نفسانی پاسخ می‌دهند. رسول الله (ص) فرمودند :

من کان اکثر همه میل الشهوات نزع من قلبه حلاوة الایمان

کسی که بیشترین همتش اطفای شهوات است، حلاوت ایمان از دلش کنده می‌شود .

از ظاهر روایت می‌توان دریافت که «میل به شهوات» ناظر به امر حرام نیست، شهوات حلال نیز درک طعم ایمان را از بین می‌برد. آنکه وقتش در اغلب موارد صرف خوشگذرانیهای حلال و مباح می‌شود، در نهایت نعمت درک طعم و لذت معنویات را از کف می‌دهد .

2. تغییر نگرش: انسانی که به مراتبی از ایمان دست می‌یابد، نگرش به اشیا و اشخاص با نگرش اهل دنیا متفاوت می‌شود. نفع و ضرر در نزد او غیر آن است که در نزد اهل دنیا است. اهل دنیا، رسیدن به `class=aa`

فرمودند: (ع) صادق امام می‌بیند. محض ضرر را آن مؤمن آنکه حال می‌شمارند، نفع راهی هر از قدرت ان من حقيقة الايمان ان تؤثر الحق، و ان اضرك، على الباطل و ان نفعك [3] بدرستی که از حقیقت ایمان آن است که مقدم بداری حق را بر باطل اگر حق تو را ضرر رساند و باطل تو را نفع رساند .

امیر المؤمنین (ع) فرمود :

لا یجد عبد طعم الايمان حتى یعلم. . . و أن الضار النافع هو الله عز و جل [4]

مؤمن طعم ایمان را نمی‌چشد. . . به درستی که ضار و نافع را حضرت حق تعالی بداند .

3. آرامش روح: آنگاه که مؤمن به درجه‌ای از ایمان واصل شد، تکالیف و دستوره‌های محبوب را با قلبی مطمئن انجام داد، به آرامش روحی خاصی دست می‌یابد. قرآن شریف می‌فرماید :

«هو الذی انزل السکينة فی قلوب المؤمنین لیزدادوا ایمانا مع ایمانهم و لله جنود السماوات و الأرض و کان الله علیها حکیما [5] .»

اوست کسی که آرامش را در قلوب مؤمنان نازل فرمود، برای آنکه ایمانی بر ایمانشان بیفزاید و برای خداست سپاه آسمانها و زمین، و خداوند، علیم و حکیم است .

مفسران درباره «سکینه» بحث کرده‌اند که آیا سکینه غیر از روح ایمان است که خداوند مؤمن را به سبب آن روح تأیید می‌کند؟ در سوره مجادله آمده است: «لا تجد قوما یؤمنون بالله و الیوم الآخر یوادون من حاد الله و رسوله و لو کان آباءهم او ابناءهم او اخوانهم او عشیرتهم، اولئک کتب فی قلوبهم الايمان و ایدهم بروح منه . [6]»

نمی‌یابی کسانی را که خدا و روز واپسین را باور کرده‌اند، دوست داشته باشند کسانی را که با خدا و رسول او دشمنی می‌ورزند، هر چند آنان پدران یا فرزندان یا برادران یا عشیره آنها باشند، اینان کسانی‌اند که خدا بر دل‌هایشان ایمان را رقم زده و به روحی از خود تأییدشان فرموده است .

مطابق این آیه، روح، غیر از ایمان است. خداوند در قلوب مؤمنان ایمان را نگاشت و آن را تأیید کرد به روحی از ناحیه خودش که روح ایمانی است. عده‌ای گفته‌اند سکینه، خلق جدیدی است در قلب مؤمن، این روح جدید، آرامش بخش دل مؤمنان است. در آیه شریفه قلبی فرمود :

لیزدادوا ایمانا مع ایمانهم .

معلوم می‌شود که این آرامش از سنخ ایمان است. این معنا، در روایات متعدد تأکید شده است . از امام صادق (ع) درباره سکینه پرسیدند. فرمود :

السکينة الايمان . [7]

معلوم می‌شود که سکینه ایمان را محکم می‌کند به طوری که اضطرابی باقی نمی‌ماند. ذیل آیه قلبی آمده بود :

«و لله جنود السماوات و الارض و کان الله علیها حکیما . [8]» این قسمت آیه، با قسمت قلبی چه نسبتی دارد؟ (سپاه آسمانها و زمین از آن خداست و خداوند علیم و حکیم است)

جنود، به گروهی گویند که با یکدیگر پیوندی خاص دارند و هدف واحدی دارند. برخی گفته‌اند لشکریان آسمانها و زمین مؤید مومن می‌شوند. این سخن درست است لکن مقصود قرآن بالاتر از این معناست. هر انسانی مجموعه‌ای از عوالم وجود است، از ناسوت تا لاهوت. عوالم ارضی و سماوی یا عوالم

سفلی و علوی. مقصود از «و لله جنود السماوات و الارض» ، اشاره به این مطلب است که «ای انسان تو معجونى از همه عوالم وجود هستی، و برای هر يك از این عوالم با جنود خود در نسبت با ایمان سکینه‌ای است». عالم عقلی سکینه‌ای متناسب با خود دارد، و عالم روح و قلب و نفس نیز هر يك سکینه متناسب با عالم خویش دارند. مؤمنی که در مرتبه‌ای عالی از ایمان قرار دارد در طریق ادای تکالیف الهی نه عقلش انحراف پیدا می‌کند و نه در تشخیص دچار اشتباه می‌شود و نه قلبش و نه حتی اعصابش دچار کژی و کاستی می‌گردد. چون در همه مراتب وجود خود سپاهیانى دارد. «جنود السماوات و الارض» الهی به سراسر وجود انسان مؤمن، آرامش و امنیت می‌بخشد .

4. رضامندی از حق و خود مقصر انگاری: مؤمن در مراتب بالای ایمان، هر آنچه به او می‌رسد را خیر و به صلاح خویش می‌بیند. در طریقت، هر چه پیش سالک آید خیر اوست. این اثر، حاصل بینش عمیق

مؤمن در نسبت میان خالق و مخلوق است. در این مسیر اگر نقصی دید متوجه خویش می‌داند و اگر کمالی مشاهده کرد به خالق بر می‌گرداند. به عبارت دیگر، مؤمن در حوادث و سوانح، همواره خویش را محاکمه می‌کند که چه کرده‌ام که ثمره‌اش چنین شد؟ نه اینکه چرا او با من چنین کرد .

مؤمن همواره با نظر سوء به نفسش نگاه می‌کند و نظر حسن به خدای متعال دارد. رسول خدا (ص) فرمود :

اعلموا عباد الله ان المؤمن لا یمسى و لا یصبح الا و نفسه مظنون عنده [9] .

بدانید بندگان خدا که مؤمن شب را به صبح و صبح را به شب نمی‌آورد مگر آنکه در باره نفسش بدگمان باشد .

در اینجا اشکالی رخ می‌نماید. گاهی اعمال مؤمن زیباست اما ثمره‌ای به دنبال ندارد. یعنی وعده الهی را درباره آن عمل متحقق نمی‌بیند. در این موارد آیا مؤمن باز حسن ظن به خدا و سوء ظن به خود دارد؟ پاسخ مثبت است. زیرا بسیاری از اعمال ما حسن «فعلی» دارد اما چون حسن فاعلی ندارد نا تمام است. ممکن است از بشر اعمال نیک صادر شود اما بی بهره از حسن فاعلی باشد، شرط قبولی اعمال خلوص نیت است. اخلاص نیت از مراحل نیت است که بسیار ظریف و خطیر است و شیطان، در این مرحله حساس و مراقب است و در صدد بر هم زدن نیت خالصانه است .

علی (ع) می‌فرماید :

لن یستكمل العبد حقیقة الایمان حتی یؤثر دینه علی شهوته و لن یهلك حتی یؤثر شهوته علی دینه . [10]

بنده حقیقت ایمان را به کمال نمی‌رساند مگر آنکه دینش را بر شهوتش مقدم کند. و هلاک نمی‌شود مگر آنکه شهوات را بر دینش مقدم سازد .

در روایات، استقامت مؤمن در دین را فوق تحمل کوه تصویر کرده‌اند چون کوه را می‌توان کند، اما بر ایمان مؤمن نمی‌توان نقصان وارد کرد .

المؤمن نفسہ اصلب [من جبل] [11]

نفس مؤمن [از کوه] سخت‌تر است .

روایات دیگری، مؤمن را از «زبر الحديد» یعنی پاره‌های آهن سخت‌تر دانسته است. چون پاره‌های آهن را می‌توان در اثر حرارت نرم کرد اما دین مؤمن را نمی‌توان سست نمود .

قال الصادق علیه السلام: إن المؤمن اشد من زبر الحديد ان زبر الحديد اذا دخل النار تغیر و إن المؤمن لو قتل ثم نشر ثم قتل لم يتغیر قلبه [12] .

مؤمن از پاره‌های آهن سخت‌تر است زیرا پاره‌های آهن بر اثر حرارت تغییر می‌کند اما اگر مؤمن را بکشند و زنده کنند و باز بکشند، دلش عوض نمی‌شود .

15. احساس عزت و غلبه: آیا کسی که دلش با حق تعالی پیوند خورده است، ممکن است که ترس و بیم داشته باشد؟ پاسخ منفی است. خوف از چه چیز؟ او با همه کاره عالم سروکار دارد، پس، از چه بترسد؟

مؤمن همیشه خود را غالب می‌داند، چون با موجودی پیوند دارد که همه عوالم وجود مسخر او هستند. در آیات قرآن صفت «عزت» اختصاصاً برای مؤمن به کار رفته است. عزت حالتی است برای روح که خویش را غالب می‌بیند. چه کسی می‌ترسد؟ آنکه خود را مغلوب می‌نگرد. آنگاه که از جنود نفس که دشمنان درونی‌اند شکست خورد، از همه موجودات بیرونی نیز می‌ترسد. امام صادق (ع) در این زمینه فرموده‌اند :

ان المؤمن من يخافه كل شيء. و ذلك انه عزيز في دين الله. و لا يخاف من شيء و هو علامة كل مؤمن [13].

همانا همه موجودات از مؤمن می‌ترسند، زیرا که او به دین عزت یافته است [یعنی محکوم هواهای نفسانی نیست] و از چیزی نمی‌هراسد و این نشانه هر مؤمنی است .

آیا ما مؤمنیم؟ ! آیا در مسیر دین، بدون هراس هستیم؟ ! در روایتی دیگر، همین مضمون با تعبیری دیگر آمده است. امام صادق (ع) فرمودند :

إن المؤمن يخشع له كل شيء حتى الوحوش و طير السماء [14].

همانا همه موجودات در برابر مؤمن فروتن هستند. حتی درندگان و پرندگان .

این اثر ایمانی موجب می‌شود که اهل دنیا در تاریخ همواره از اولیای الهی در اضطراب و رعب باشند .

آثار اجتماعی ایمان

علاوه بر آثار فردی که بر شمردیم، ایمان آثار اجتماعی بسیاری نیز دارد .

1. تحکیم وحدت: ایمان می‌تواند میان مؤمنان محبت بر قرار سازد. محبت پایه و محور ایمان است. «فضیل بن یسار» از امام صادق (ع) سؤال کرد که آیا حب و بغض جزو ایمان است. حضرت فرمودند :

و هل الايمان الا الحب و البغض [15].

آیا ایمان جز حب و بغض چیز دیگری است؟ !

در حقیقت، ایمان تحت جاذبه‌ای قرار گرفتن و از نفوذ جاذبه‌ای روی گردان شدن است. سپس، حضرت این آیه را تلاوت فرمودند: «و حبب الیکم الایمان [16].»

و به این ترتیب، خواستند استشهاد کنند که سنخ ایمان از سنخ محبت است .

من احب کافرا فقد ابغض الله و من ابغض کافرا فقد احب الله [17].

کسی که کافری را دوست بدارد خدا را دشمن داشته است و کسی که کافری را به دشمنی برگزیند پس خدا را به دوستی برگزیده است .

سپس حضرت این کلام را به صورت قاعده‌ای بیان فرمودند :

صديق عدو الله عدو الله [18].

دوست دشمن خدا، دشمن خداست .

بنابراین، مهمترین اثر اجتماعی ایمان، تنظیم حب و بغضهای اجتماعی است .

قرآن کریم می‌فرماید: «لا تجد قوما يؤمنون بالله و اليوم الاخر يوادون من حاد الله و رسوله و لو كان اباؤهم او ابناءهم او اخوانهم او عشيرتهم [19] .»

[ای رسول ما] ! هرگز نمی‌یابی قومی را که به خدا و روز جزا ایمان آورده باشند اما به دشمنان خدا و رسول مهر بورزند. اگر چه آنها پدران، فرزندان، برادران و اقوامشان باشند .

روشن است که بحث ایمان و محبت مطرح است و نه روابط اجتماعی اقتصادی که انسان مؤمن با غیر مؤمنان دارد. چون ارتباط لزوماً با محبت توأم نیست. این اثر موجب می‌شود که مؤمنان در برابر کافران دفاع کنند و ایمان مؤمن را بر همین مبنا باید سنجید .

قال الصادق عليه السلام: ان من اوثق عرى الايمان أن تحب في الله و تبغض في الله و تعطى في الله و تمنع في الله عز و جل [20] .

همانا از محکمترین دستگیره‌های ایمان، دوستی و دشمنی در راه خدا و عطا و امساک کردن در راه اوست .

قال الصادق عليه السلام: لا و الله لا يكون المؤمن مؤمناً ابدأ حتى يكون لآخيه مثل الجسد [21] .

مؤمن، از ایمان بهره ندارد مگر آنکه نسبت به برادر مؤمنش همچون پیکر باشد. یعنی ایمان، جامعه را به صورت يك پیکر واحد در می‌آورد که دردی در يك عضو، اعضای دیگر را نیز به درد می‌آورد .

2. استقرار عدالت اجتماعی: ایمان، باعث تعهدات اجتماعی است و مبنا و پشتوانه این تعهدات، محبت است. از این رو، برای برقراری عدالت اجتماعی هیچ عاملی برتر از تقویت روحیه ایمانی نیست. با تقویت ایمان از فشار موانع در تحقق عدالت کاسته می‌شود .

3. مقابله با فساد و انحراف: انحرافات اجتماعی اشکال گوناگون دارد و مؤمن در برابر هر انحرافی که متوجه جامعه می‌شود، مسئول است و باید به مقابله برخیزد. مثلاً فساد عملی را می‌بیند، باید برای دفع

آن اقدام کند. باب «امر به معروف و نهی از منکر» برای همین منظور گشوده شده است. گاهی فساد عملی نیست، بلکه انحراف بینشی است. خود دین در معرض انحراف و تحریف واقع شده است. باید مؤمن مقابله کند .

این گونه انحراف دو وجه دارد و مبدأ هر دو وجه، هواهای نفسانی است :

وجه اول: آن است که برخی انسانها با احکامی مواجه می‌شوند که با مزاج انسانی سازگار نیست. سعی می‌کنند دایره اسلام را تنگ کنند. مثلاً اسلام دفاع و جهاد دارد. این افراد به دلیل روحیه رفاه طلبی، از جهاد و دفاع سر باز می‌زنند و اجرای این حکم را به امام معصوم (ع) واگذار می‌کنند !

وجه دوم: آن است که قالب اسلام را تنگ می‌بینند و به بهای رسیدن به هواهای نفسانی در صدد بر می‌آیند تا این قالب را بسط دهند. هر دو صورت، انحراف است و مؤمن باید در برابر آن بایستد. صاحب

وسائل الشیعه به طور جمع از ائمه طاهربین (ع) نقل می‌کند: قالوا اذا ظهرت البدع فعلى العالم ان يظهر علمه، فان لم يفعل سلب نور الايمان [22] .

اگر عالم در برابر بدعتها، علمش را آشکار نکند، نور ایمان از وی سلب می‌شود .

اسلام لال نیست، اگر گوش شنوایی باشد، اسلام کاملاً فصیح و گویا سخن می‌گوید، لکن «ترك هوا» شرط این استماع است .

در باب اجتهاد، امام خمینی رضوان الله تعالی علیه «تارك هوا» بودن را شرط می‌دانستند که مبنای این رأی روایتی از امام عسگری (ع) است :

فاما من كان من الفقهاء صائناً لنفسه، حافظاً لدينه، مخالفاً على هواه، مطيعاً لامر مولاه فللعوام أن يقلدوه و ذلك لا يكون الا بعض فقهاء الشيعة لا جميعهم [23] .

پس از میان فقها آنان که صائن نفس و حافظ دین و مخالف هواهای نفسانی و مطیع اوامر الهی باشند. بر عوام است که از اینان تقلید کنند و البته این موارد در بعضی از فقهای شیعه است نه در همگی .

امام (ع) به نکته ظریفی اشاره می‌فرمایند. ممکن است مجتهدان شرط اجتهاد را داشته باشند، علم و عدالت داشته باشند، اما تارك نباشند [24] .

-
- [1]. مشکاة الانوار في غرر الاخبار، ص ۱۱۶، نور الثقلین، ج ۵، ص ۸۳ .
 - [2]. وسائل، ج ۱۲، ص ۲۵۰ بحار/ج ۷۸/ص ۲۵۲ .
 - [3]. خصال شیخ صدوق، ص ۵۳ .
 - [4]. وسائل، ج ۱۵، ص ۲۰۱ .
 - [5]. سوره فتح، آیه ۴ .
 - [6]. سوره مجادله، آیه ۲۲ .
 - [7]. معانی الاخبار باب معنی سکینه ص ۲۸۴ .
 - [8]. سوره فتح، آیه ۴ .
 - [9]. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۷۸ .
 - [10]. همان، ج ۷۸، ص ۸۱ .
 - [11]. همان، ج ۶۷، ص ۳۰۴ .
 - [12]. همان .
 - [13]. همان، ص ۳۰۵ .
 - [14]. با اندک تفاوت: مشکاة الانوار ص ۱۱ .
 - [15]. وسائل، ج ۱۶، ص ۷۰ .
 - [16]. سوره حجرات، آیه ۷ .
 - [17]. وسائل، ج ۱۶، ص ۱۸۰ .
 - [18]. همان .
 - [19]. سوره مجادله، آیه ۲۲ .
 - [20]. بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۳۳۶ .
 - [21]. همان، ج ۷۴، ص ۲۳۳ .
 - [22]. وسائل، ج ۱۶، ص ۲۷۱ .
 - [23]. بحار الانوار، ج ۲، ص ۸۸ .
 - کیش پارسایان، ص ۵۱